

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سرمقاله گاردین – ارگان حزب کمونیست استرالیا
برگردان از: آمادور نویدی
۲۷ اکتوبر ۲۰۱۶

مسیری که باید پیمود- به پیش

در این جهان پول حکومت می کند. در هر بخش از جهان سرمایه داری، فن آوری جدیدی از طریق همان وسیله – بازار- نشان خود را بر تمام زندگی ما گذاشته است، که کالاها و خدمات و افراد در سطح جهان خرید و فروش می شوند... اکنون هر عمل انسانی، هر رابطه اجتماعی و زیست محیطی مشمول برای کسب حداکثر سود است... تاریخ نشان می دهد که نظامیگری و جنگ در اشکال مختلف آن طریقه ایست که در آن سرمایه داری اغلب بازارها، منابع دائم نیروی کار ارزان و مواد خام را که برای مقابله با هرگونه کاهش اساسی میزان سود بسیار ضروری ست، به دست می گیرد... جهانی سازی امپریالیسم به معنای انحصار فن آوری، کنترل مالی بازارهای مالی جهان، دسترسی انحصاری به منابع طبیعی سیاره، رسانه ها و ارتباطات و انحصارات بر سلاح های کشتار جمعی است. از آنجائی که این وضعیت باعث تولید بحران جهانی می شود که تمام کشورهای سرمایه داری را تحت تأثیر قرار می دهد، پایه مبارزه سراسری ملی و جهانی را علیه خود نظام بنانهاده است. به عبارت دیگر، برای مبارزه با تهاجم جهانی سرمایه داری، حس جدیدی از همبستگی بین المللی و اتحاد در میان توده های کارگر وظیفه مبرم امروز ست. نشانه های روشن قابل مشاهده وجود دارند که، اگرچه بسیار کند می باشند، اما تغییر در آگاهی طبقه کارگر، مردم زحمتکش، و تمام بخش های فقیر در سراسر جهان در حال وقوع است، که ضرورت توقف این تهاجم سرمایه داری را درک می کنند. این مبارزه باید شدت یابد و آگاهی سیاسی را چنان بالا برد که در آن آلترناتیو(جایگزین) سوسیالیستی نه آرزویی دور دست، بلکه واقعیتی قابل تحقق باشد.

به پیش

هر چند ممکن ست دور از واقعیت به نظر بیاید، اما پس از انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷، هر اندیشه ای، بازتاب مسائلی ست که توسط انقلاب روسیه مطرح شده است.
انقلاب اکتوبر بر زندگی میلیون ها نفر از مردم زحمتکش شعله امید درخشید، اما برای طبقه حاکم جهان تهدیدی مرگبار بود.

نگاه شما به مشکلات جامعه جهانی هر چه که بود، از نیمکت کارخانه و یا از محوطه دانشگاه، این که شما به دنبال تغییر رادیکال بوده اید و یا کاملاً دشمن سوسیالیسم، تجربه شوروی به عنوان آلترناتیوی برای نظم اجتماعی موجود دیده می شد.

امروز، هنگامی که مبلغان سرمایه داری ادعا می کنند که اکنون موضوع سوسیالیسم بسته شده است، وضعیت واقعی امور به چه گونه است؟

امروز، سرمایه داری اما تماماً جهانی است. قوانین حرکت سرمایه داری، منطق سرمایه داری، هر چه عمیق تر در درون جوامع سرمایه داری پیشرفته نفوذ کرده است، و در سراسر جهان فضائی ست.

اکنون هر عمل انسانی، هر رابطه اجتماعی، و زیست محیطی مشمول برای کسب حداکثر سود است. در واقع، این خود - افزایش دائم سرمایه، انباشت سرمایه، به چه معنی ست؟

از یک سو، در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، این به معنی نفوذ اصول سرمایه داری در فضاهاى فرهنگى و اجتماعى رسمى ست که آنها حتى هنوز در چند دهه قبل نرسیده بودند.

در سوى دیگر، این به معنای منزوی کردن و افزایش فقر تمام رژیم هائی است که خارج از کشورهای سرمایه داری پیشرفته هستند. به یک معنا، قطبی کردن (پولاریزسیون) طبقاتی سرمایه داری در تقسیم شمال و جنوب تکثیر شده است و فقر به اصطلاح طبقات زیرین در درون کشورهای پیشرفته سرمایه داری که جای خود را دارد.

جهانی شدن

گسترش جهانی منافع شرکت های بزرگ، خودش را از طریق تأکید بر اقتصاد بازار، و از طریق جهانی شدن پدیده (امپریالیسم) آشکار می سازد.

تاریخ نشان می دهد که نظامیگری و جنگ در اشکال مختلف آن طریقه ایست که در آن سرمایه داری اغلب بازارها، منابع دائم نیروی کار ارزان و مواد خام را که برای مقابله با هرگونه کاهش اساسی میزان سود بسیار ضروری ست، به دست می گیرد.

بنابراین، بحران جهانی سرمایه داری، که اکنون امریکا را در قلب نظام تهدید می کند، و با موجی از ادغام شرکت های بزرگ عصبانی، مالکیت ها و اتحادها مشخص می شود، تنها می تواند بحران را از طریق شتاب کنترل خود بر اقتصاد جهانی توسط جنگ و یا راه های دیگر جبران کند.

هزاره جدید حمله وحشیانه به عراق و جنگ هائی را تجربه کرده است که اکنون با مرگ و نابودی در سوریه بازی می شود. جنگ های بیرحمانه ای که همه برای پیشبرد منافع اقتصادی جهانی سرمایه داری امپریالیسم امریکا همراه با شرکای ناتوی خود طراحی شده اند.

افزایش تحریمات امریکا علیه تعدادی از کشورها که حاضر به تسلیم در برابر امپریالیسم امریکا نیستند، بازتابی از پایان اقتصاد جهانی، و بحران مازاد تولید ست.

در مرثیه خوانی گوش خراش یکی از بهترین سرمایه گذاران مالی جهان، جورج سوروس، «سیستم سرمایه داری جهانی که مسؤول رفاه قابل توجهی برای این کشور (امریکا) بوده است، در درز هایش از هم پاشیده می شود.»

چه اتفاقی افتاده است؟

این مطمئناً تنها یک بحران جاپانی یا امریکای لاتینی و یا عواقب ناشی از ستراتیژی های ملی خاص یا شکست های سیاسی نیست. این تابعی از «دوست صمیمی سرمایه داری»، و یا هرگونه شکل خاص و معیوب دیگر از سرمایه داری نیست.

این عواقب ناشی از سرمایه داری خالص و ساده است و حتی خودش را در به ظاهر موفق ترین سرمایه داری نشان می دهد. بحران نتیجه فرایندهای سیستماتیک ذاتی در سرمایه داری ست، که خودشان در هر اقتصاد سرمایه داری و در روابط میان آنها نقش بازی می کنند.

پیامدهای این بحران طولانی مدت چه هستند؟

در این جهان پول حکومت می کند. در هر بخش از جهان سرمایه داری، فن آوری جدیدی از طریق همان وسیله – بازار- نشان خود را بر تمام زندگی ما گذاشته است، که کالاها و خدمات و افراد در سطح جهان خرید و فروش می شوند.

جهانی شدن امپریالیسم این را مد روز ساخته تا فرض شود که ما تنها بدون بازار نمی توانیم زنده بمانیم. اما در واقعیت، چیزی که معرفی این فن آوری جدید به ارمغان آورده است، یک بازار کار دو لایه است که در آن مردم در لایه های پائین تر توسعه یافته، با آموزش و پرورش ضعیف یا فقدان آموزش و پرورش، مسکن نامناسب یا بی خانمانی، اشکال کارهای تحقیر آمیز یا سردرگم و یا بیکاری طولانی مدت و گرسنگی گیر افتاده اند.

تنها لایه های ممتاز بالاتر شاغل از منافع این سیستم لذت می برند.

بنابراین، جهانی سازی امپریالیسم به معنای انحصار فن آوری، کنترل مالی بازارهای مالی جهان، دسترسی انحصاری به منابع طبیعی سیاره، رسانه ها و ارتباطات و انحصارات بر سلاح های کشتار جمعی است.

از آنجائی که این وضعیت باعث تولید بحران جهانی می شود که تمام کشورهای سرمایه داری را تحت تأثیر قرار می دهد، پایه مبارزه سراسری ملی و جهانی را علیه خود نظام بنانهاده است.

به عبارت دیگر، برای مبارزه با تهاجم جهانی سرمایه داری، حس جدیدی از همبستگی بین المللی و اتحاد در میان توده های کارگر وظیفه میرم امروز ست.

نشانه های روشن قابل مشاهده وجود دارند که، اگرچه بسیار کند می باشند، اما تغییر در آگاهی طبقه کارگر، مردم زحمتکش و تمام بخش های فقیر در سراسر جهان در حال وقوع است، که ضرورت توقف این تهاجم سرمایه داری را درک می کنند.

این مبارزه باید شدت یابد و آگاهی سیاسی را چنان بالا برد که در آن آلترناتیو(جایگزین) سوسیالیستی نه آرزونی دور دست، بلکه واقعیتی قابل تحقق باشد.

جائی که بشریت زنده بماند مبارزه اش با اشکال غیرانسانی ادامه دارد. زشتی های امروز – نیروهای غیرانسانی و انسان زدا – نمی توانند مانند لوازم ثابت برای همیشه در تمدن بشری باقی بمانند. انسان ها می توانند آن ها را از بین ببرند.

برگرداننده شده از:

The Guardian
The Worker's Weekly

Issue #1753 • October 19, 2016

– The way forward Editorial

<http://www.cpa.org.au/guardian/2016/1753/02-editorial.html>